



رهبر انقلاب در آستانه چهل‌وهفتمین سالروز پیروزی انقلاب مطرح کردند

ایستادگی مردم مهم‌تر از موشک

قدرت ملی بیش از آنکه به موشک و هواپیما ارتباط داشته باشد، به اراده ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. شما بحمدالله در قضایای مختلف ایستادگی را نشان داده‌اید؛ باز هم نشان بدهید و دشمن را مأیوس کنید. رهبر معظم انقلاب اسلامی روز گذشته در پیامی تلویزیونی، ۲۲ بهمن را روز رهنمایی از قدرت و عزت ملت ایران خواندند و با تأکید بر اینکه حضور مردم در راهپیمایی و ابراز وفاداری به جمهوری اسلامی باعث عقب‌نشینی دشمن از طمع‌ورزی علیه ایران و منافع ملی خواهد شد، گفتند: در ۲۲ بهمن با نشان دادن اراده و ایستادگی خود، دشمن را مأیوس کنید.

متن پیام تلویزیونی رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

روز بیست‌ودوم بهمن در هر سال، روز رهنمایی از قدرت و عزت ملت ایران است؛ ملتی بحمدالله بانگیزه، بارادار، ثابت‌قدم، قدردار، و آگاه از مصالح و مفاسد خود.

آن روزی که بیست‌ودوم بهمن اول اتفاق افتاد، ملت ایران یک فتح بزرگ کرد؛

انقلاب اسلامی به مثابه یک خیزش مردمی، خشونت‌پرهیز و نرم چه مختصاتی داشت؟

انقلابی مثل حضرت روح‌الله

ایران در میان دیگر قدرت‌ها و کشورهای منطقه از یک ویژگی منحصر به‌فرد برخوردار است؛ مردمی که انقلاب ۵۷ را رقم زدند و پس از آن و در سال‌های بعد نیز پای کار حکمرانی آمدند و به‌یک معنا تبدیل به یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت نظام سیاسی ایران شدند. این همراهی در متن قانون‌و ساختار جمهوری اسلامی هم گنجانده شده و همین خودبه‌خود مردم را به میدان می‌آورد. اما علاوه بر ساختار قانونی، پای خواست اجتماعی خود مردم هم وسط است. روحیه استقلال‌طلبی و انزجار از بیگانه موجب شد جامعه ایرانی هر زمان که احساس کرد ایران در حال تهدید از سمت قدرت‌های



کمیل قیدرلو، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «فره‌بختگان»:

قدرت نرم جمهوری اسلامی از دل مردم زاده شده است

کمیل قیدرلو، جامعه‌شناس معتقد است که انقلاب اسلامی، قدرت منحصر به‌فردی از بدنه مردمی ایجاد کرده که تبدیل به قدرت نرم جمهوری اسلامی شده است. در مواردی بروز بحران‌ها و تغییر شکل جامعه منجر به تضعیف این قدرت مردمی شده و در مواردی بحران‌ها زمینه تقویت را فراهم کرده است. با این حال او به این موضوع هم اشاره کرد که برای تقویت قدرت و بدنه مردمی نظام‌سیاسی ایران، ضروری است که اقداماتی انجام‌شود. در ادامه مشروح گفت‌وگوی «فره‌بختگان» با قیدرلو را می‌خوانید.

تولد جمهوری اسلامی

با پشتوانه محکم مردمی اتفاق افتاد

قیدرلو یکی از مؤلفه‌های اصلی ایجادو حفظ انقلاب اسلامی را برخورداری از حمایت مردمی دانست و در شرح تاریخچه این حمایت گفت: «انقلاب اسلامی به عنوان یکی از تاریخی‌ترین اتفاقاتی که در مسیر جامعه ایران رخ داده، از ابعاد مختلف قابل تأمل و بررسی است. یکی از این ابعاد، مؤلفه قدرت نرم است. انقلاب اسلامی پس از تاریخ ۲۵۰۰ ساله، حاکمیت از بالا به پایین، حاکمیت اقتدار مآب، حاکمیت تمامیت‌خواه که به صورت شاهنشاهی و سلسله‌مراتبی اداره شد و مردم کمترین نقش را در تنظیم مشیت‌های زندگی‌شان نداشتند، به‌وجود آمد. از زمان مشروطه هم می‌توان رگ‌های مشارکت مردم را دید اما چون دولت مشروطه خیلی زود شکست خورد، موفقیتی محسوب نمی‌شود اگر چه قانون اساسی مشروطه نوشته می‌شود؛ اما پس از آن اتفاقات دیگری مثل اشغال ایران و حاکم شدن دیکتاتوری رضاخان اتفاق می‌افتد که عملاً مشروطیت را حذف می‌کنند و منجر به این می‌شود که مردم برای پیگیری سرنوشت و مطالبات خودشان دست به انقلاب بزنند. این انقلاب اقتدار از مشروعبت مردمی برخوردار است که ۹۸ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای می‌دهند. شاید کمتر جایی باشد که چنین استعلا‌می از مردم بشود و این معنی که مردم چه می‌خوانند و پس از آن هم به تفصیل در قانون اساسی آن را پیگیری کنند و مردم نیز به همین رای بدهند. لذا انقلاب اسلامی با پشتوانه پررنگ از مردمی بودن و در امتداد خواسته بزرگ تاریخی، متولد می‌شود و این جریان تا کنون هم ادامه دارد.»

بحران‌های نظام سیاسی در مواردی زمینه تقویت بدنه مردمی را فراهم کرده

قیدرلو بحران‌های رخ داده در نظام سیاسی را به‌نوعی عامل تقویت این بدنه مردمی معرفی کرد و توضیح داد: «این جریان متولدشده، در طول مسیر با بحران‌های مختلف مواجه شده است. مواجهه با این بحران‌ها، عملاً به عنوان چالشی در مسیر رشد انقلاب، مانع‌هایی ایجاد کرد و ختم‌پایرش‌ها، نقدها و ضعف‌هایی را ایجاد کرده است. این چالش‌ها از یکسو، ابعاد مختلف حکومت برآمده از انقلاب ۵۷ را تقویت می‌کند و از طرف دیگر در کوکاردی‌ها مخالفت‌هایی را هم شکل می‌دهد. طبیعت حرکت و زنده‌بودن این مسیر بالا پایین و سختی‌ها و فشارهایی که از ابعاد مختلف به جامعه و حاکمیت وارد می‌شود، هم از سویی می‌تواند برخی بخش‌ها را تقویت و هم چنین برخی بخش‌ها را تضعیف کند. لذا بافضای پویایی در تحلیل رابطه مردم و حاکمیت مواجهیم. آنچه وجود دارد این است که در طول زمان فضای فرهنگی و اجتماعی، به مرور با تغییرات مختلف شرایط جهانی و تغییرات ناظر به سطح تحصیلات، سبک زندگی، ارتباطات مختلف، فشارهای سیاسی اقتصادی و هم‌زمانی رسانه‌ای، فرهنگی که در جهان وجود دارد، امروزه شکل سال ۵۷ را ندارد. جامعه امروز متنوع‌تر شده، از یکدستی شروع انقلاب، فاصله گرفته است و همین تنوع موجب می‌شود در موضوعات مختلف، نمود همراهی و پشتیبانی مردمی را به شیوه‌های مختلف داشته باشیم و انتظار این‌که در سطح ۹۸ درصد، پشت حاکمیت قرار بگیرد، چندان موج‌نیست.»

شاخص اول برای حفظ بدنه اجتماعی؛ افزایش اعتماد

اصل همراهی مردم در جریان جنگ ۱۲ روزه نمودی از قدرت نرم است؛ موضوعی که قیدرلو به آن اشاره کرد و گفت: «از آن طرف اصل وجود قدرت نرم، به معنای اینکه مردم پشت حاکمیت در بزنگاه‌ها و بحران‌ها و نه در موضوعات خرد قرار بگیرند، مشهود است و نیاز به ذکر شواهد ندارد. آنچه در جنگ ۱۲ روزه رخ داد، اینکه مردم ظرف ۲۲ روز متحد شدند و با جنگ تروریستی که در کشور رخ داد، همراه نشدند، علی‌رغم اینکه نظر سنجی‌ها نشان می‌داد، مردم از تصمیمات

رهبر انقلاب در آستانه چهل‌وهفتمین سالروز پیروزی انقلاب مطرح کردند

ایستادگی مردم مهم‌تر از موشک

توانست خودش را و کشورش را از دخالت بیگانگان نجات بدهد. آن بیگانگان در طول این سال‌ها همیشه خواسته‌اند وضعیت سابق را دوباره برگزار کنند؛ [اما] ملت ایران ایستاد. مظهر این ایستادگی، روز بیست‌ودوم بهمن است. این راه‌پیمایی در دنیا بی‌نظیر است. در هیچ جای دنیا، ما هرگز سراغ نداریم که بعد از سال‌های متمادی، روز استقلال و روز ملی کشور، هر سال این جور با جمعیت‌های عظیم در سراسر کشور مواجه بشود، و [مردم] بتوانند خودشان را نشان بدهند. امروز ملت ایران با راه‌پیمایی در خیابان‌ها خودش را نشان می‌دهد؛ و کسانی را که طمع در ایران اسلامی و در جمهوری اسلامی و در منافع این ملت دارند، به عقب‌نشینی وادار می‌کنند.

قدرت ملی بیش از آنکه به موشسک و هواپیما ارتباط داشته باشد، به اراده ملت‌ها و ایستادگی ملت‌ها ارتباط پیدا می‌کند. شما بحمدالله در قضایای مختلف ایستادگی را نشان داده‌اید، اراده خودتان را نشان داده‌اید؛ باز هم نشان بدهید و دشمن را مأیوس کنید. تا دشمن مأیوس نشود، یک ملت در معرض آزار و اذیت قرار می‌گیرند؛ باید دشمنم را مأیوس کرد. مأیوس بودن

مصطفی زمانیان، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «فره‌بختگان»:

سرمایه اجتماعی با چه مؤلفه‌هایی تقویت می‌شود؟

مصطفی زمانیان، جامعه‌شناس معتقد است نظام حکمرانی ایران برای حفظ قدرت نرم که همان بدنه مردمی اش است باید به یک‌سری مؤلفه‌ها توجه کند که از جمله آن باور به درستکاری حاکمیت، برقراری عدالت، خیرخواهی، گشودگی در مشی حکومت است. در ادامه مشروح گفت‌وگو با این استاد دانشگاه را از نظر می‌گذرانید.

ایجاد احساس درستکاری حاکمیت

زمانیان به این موضوع اشاره کرد که سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اساسی است که هر جامعه چه در شرایط تهدید چه اصلاح به‌ه آن نیاز دارد و برای تقویت این بدنه مردمی، گفت: «یک بعد از قدرت نرم، مسئله مهمی، تحت‌عنوان اعتماد و سرمایه اجتماعی است که طبیعتاً در هر فضا و نظام حکمرانی چه در مقطع اصلاحات و چه تهدیدها، جامعه به‌شدت به آن محتاج است. براین اساس باید به چند مؤلفه اساسی در خصوص حفظ قدرت مردمی توجه کرد؛ موضوع اول مسئله درستکاری حاکمیت است. یکی از مؤلفه‌هایی که روی مسئله اعتماد اثر می‌گذارد، مسئله اعتقاد به درستکاری حاکمیت در ذهن مردم است. به این معنی که مردم چقدر حاکمیت را درستکار می‌دانند. این یکی از مؤلفه‌های مهمی است که در سال‌های اخیر کمتر به شکل جدی اندازه‌گیری شده و مؤثر بر درستکاری و

محمد رضا قائمی‌نیک:

انسجام اجتماعی ملت ایران در هنگامه بحران ظهور و بروز بیشتری دارد

مردم ایران در طول سال‌های مختلف، حول مفهوم واحدی به نام امر قدسی انسجام پیدا کردند. مؤلفه‌ای که جمهوری اسلامی توانست با اتکا به آن، مردم را با خود همراه کند. این انسجام اجتماعی به بزرگ‌ترین مؤلفه قدرت جمهوری اسلامی تبدیل شده که در مواردی با بحران‌هایی مواجه شده اما توانسته خود را حفظ کند. در گفت‌وگو با محمدرضا قائمی‌نیک، جامعه‌شناس به بررسی مؤلفه‌های حفظ این قدرت نرم پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

انسجام اجتماعی، حول امر قدسی شکل گرفته

قائم‌نیک در مورد اینکه چه مؤلفه‌ای توانسته جمهوری اسلامی را از دل بحران‌های سخت عبور دهد، گفت: «یکی از ویژگی‌های اصلی که به نیروی انسجام‌بخش اجتماعی بر می‌گردد این است که چه می‌شود که در کشورهایی نیروی انسجام‌بخش اجتماعی شکل می‌گیرد و افراد حول یک نیرو منسجم می‌شوند. نظریات جامعه‌شناسی و اجتماعی را که مرور می‌کنیم، دید می‌شود حتی در جهان معاصر غربی در تحولات انقلاب فرانسه، نیرویی که باعث انسجام اجتماعی می‌شود، نیرویی است که به انسان‌ها امکان خروج از وضعیت فعلی خودشان و یافتن خیر جمعی در امری ورای خودشان را می‌دهد. این امر به‌عنوان دین یا در برخی تعابیر به‌عنوان ایدئولوژی، شناخته می‌شود. جایی که انسان‌ها امری را تصور می‌کنند که حاضرند به‌خاطر آن خیر جمعی، از لذت‌ها، خوشی‌ها یا فایده‌ها و منفعت‌های شخصی‌شان بگذرند. اینجا یک امر جمعی، شکل می‌گیرد.»

وی افزود: «آثار دورکیم و وبر و آدام اسمیت در نظم بازار، این‌طور تبیین می‌کند که انسان چنین ویژگی دارد که وقتی امری، ورای وجود خودش برایش اهمیت پیدا می‌کند، حاضر است از برخی منفعت‌های شخصی بگذرد و در قبال امر جمعی سـر تعظیم فرود بیاورد و تن به انسجام اجتماعی بدهد. به همین خاطر بر خلاف تصور رایج، اگر چه جامعه غرب سکولار است؛ اما سکولار به معنای ضد دین بودن نیست؛ بلکه تعریف متفاوتی از تعریفی که ما در دین داریم ارائه می‌کنند و همین عامل باعث انسجام اجتماعی در جوامع شده. مادامی که بتواند چنین تصویری را خلق کند برای آنان هم چنین کارکردی خواهد داشت.»

به گفته این جامعه‌شناس، این تصویر در سنت مافوقی‌تر است به این دلیل که تصویری که انسان‌ها از امر قدسی دارند و تسلیم آن می‌شوند، واقعیت و تعینی دارد و صرفاً ساخته ذهن انسان‌ها و تجسم در روشن نیست، بلکه واقعیتی وجود دارد که در دین و شریعت و تجلیات مذهبی خودش را نشان می‌دهد و به لحاظ تاریخی، این نیروی انسجام‌بخش اجتماعی همواره حتی به لحاظ مکان‌یابی جغرافیایی هم پیرامون تجلیات امر قدسی در جامعه ایرانی شکل گرفته است. این نیرو همچنان کار می‌کند و سؤال را باید این‌طور پرسید که در دوره‌های مختلف ایران، تهدید شدن این امر و مورد تهاجم قرارگرفتنش، چرا جامعه ایران در مقابله با این تهدید توانسته ظهور و بروز عینی شدیدی از انسجام اجتماعی را به منصفه ظهور برساند.

به تعبیر دیگر، امر انسجام‌بخش اجتماعی وجود دارد؛ اما در مواقعی که مورد تهدید قرار می‌گیرد یک ظهور و بروز بیشتری پیدا می‌کند که معمولاً به‌عنوان همین تجمعات مثل ۲۲ بهمن و ۹ دی مشاهده می‌شود.

دشمنم، با اتحاد شما است، با قدرت فکر و اراده شما است، با انگیزه شما است، با ایستادگی در مقابل وسوسه‌های دشمن است؛ اینها قدرت ملی را تشکیل می‌دهد.

ان‌شاءالله جوانان ما بتوانند در میدان‌های مختلف– در میدان علم، در میدان عمل، در میدان تقوا و اخلاق، در میدان پیشسرفت‌های مادی و معنوی– هر چه بیشتـر پیش بروند و اقدام کنند و برای کشور افتخار درست کنند. و روز بیست‌ودوم بهمن مظهر همه اینها است؛ همه در خیابان‌ها ظاهر می‌شوند و شـعار می‌دهند و حقایق را بیان می‌کنند و همبستگی خودشان را اعلام می‌کنند؛ و ملت ایران وفاداری خودشان به جمهوری اسلامی را اعلام می‌کنند. امیدواریم ان‌شاءالله این بیست‌ودوم بهمن هم مثل همه بیست‌ودوم بهمن‌های سال‌های گذشته شکوه ملت ایران را مضاعف کند، افزون کند؛ و ملت‌های دیگر را، دولت‌ها و قدرت‌ها و دیگران را در مقابل ملت ایران وادار به خضوع و خشوع بکند؛ که ان‌شاءالله همین جور هم خواهد شد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

مصادیق شناسایی شده است، یکی از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخت.»

مؤلفه‌های دیگر برای تقویت سرمایه اجتماعی، مسئله عدالت و خیرخواهی بود که زمانیان به آن اشاره کرد و توضیح داد: «موضوع دوم عدالت است. آیا مردم، حاکمیت، نظام اداری کشور را به عدالت می‌شناسند یا نه. یکی از مؤلفه‌های مؤثر بر سرمایه اجتماعی مفهوم عدالت است که طبیعتاً باید روی مصادیق عدالت، چه در حوزه کردار، رفتار و چه در حوزه عملکرد دولت، مصادق‌هایی را مشخص کرد.» مؤلفه دیگر، مسئله خیرخواهی است. تصور مردم این است که حاکمیت خیرخواه آنهاست یا اینکه حاکمیت، هر کاری برای منافع شخصی خودش، انجام می‌دهد این مؤلفه به‌شدت بر موضوعی به نام سرمایه اجتماعی و اعتماد اثر می‌گذارد. متأسفانه در ارزیابی‌های گذشته این گزاره دیده شده که مردم، حاکمیت را خیرخواه خودشان نمی‌دانند. موضوع دیگر این است که حاکمیت چقدر در برخورد با مردم و کسب نظرات آن‌ها، گشاده‌رو برخورد می‌کند و چقدر برای پذیرش انتقاد آمادگی دارد. گشودگی یکی از مؤلفه‌های مهم در سرمایه اجتماعی است. نهایتاً نظام حکمرانی برای تقویت قدرت نرم که همان سرمایه اجتماعی و اعتماد است، نیازمند توجه به این مؤلفه‌هاست و آسیب‌شناسی و توجه به راهبردهای مؤثر در آن است.

هر زمان که جامعه دچار نقصان شناختی شده تـشتت در آن اتفاق افتاده

قائم‌نیک در مورد اینکه چقدر می‌توان بدنه مردمی را مؤلفه اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست، گفت: «تصور من این است که در مواردی که انسجام اجتماعی ملت ایران چه در طول تاریخ و چه در دوره معاصر دچار خدشه شده است، به تعبیر رایج یک نقصان شناختی در آگاهی جمعی ایرانیان اتفاق افتاده و به تعبیر مارکس و وبر جنگ خدایانی اتفاق افتاده و بخش‌هایی از جامعه نیروی انسجام‌بخش اجتماعی را در امر دیگری پیدا کردند که غالب جامعه پیدا نمی‌کردند. به تعبیر دیگر، جایی که انسجام اجتماعی دچار خدشه شده، لحظه‌ای است که بخش‌ها و گروه‌هایی از جامعه پیرامون امر دیگری دستست به انسجام می‌زنند، برای مثال در سنت گذشته به‌طور مکرر تجربه کرده‌ایم که ایده سلطنت و پادشاهان ایرانی، ذیل ایده ظل‌اللهی و سـایه خدا ترسیم می‌شدند و همواره تفاوتی بین درک دینی مبتنی بر حکمت و تقفه و علما از امر قدسی به‌عنوان عامل انسجام اجتماعی به وجود آمده و یک درکی از سلطنت به‌عنوان نماینده خدا داریم. مواردی که پادشاه عادل بوده، به شـریعت عمل کرده و حق مردم را داده و با روایت دینی اصیل همراه بوده، انسجام اجتماعی بیشتر بوده و در مواردی که پادشاه به‌عنوان نماینده خدا از درک دینی فاصله گرفته جامعه دچار تـشتت شده، به این معنا که دچار دو خدایی و چند خدایی شده است. این مسئله در حال حاضر هم وجود دارد و بخش‌هایی از جامعه پیرامون امر قدسی شکل می‌گیرد و انسجام اجتماعی پیدا می‌کند که با امر قدسی دیگری تضاد دارد و باعث انسجام‌بخش دیگری از جامعه می‌شود و تضادی در جامعه ایرانی پیدا می‌شود.»

برقراری عدالت، خود عاملی وحدت‌بخش در جامعه ایرانی است

قائم‌نیک در این مورد که چه اقداماتی می‌توان برای تقویت انسجام اجتماعی انجام داد، توضیح داد: «مهم‌ترین بحران جمهوری اسلامی، در مواجهه با جهان غرب، بحران الهیات است و اگر جمهوری اسلامی می‌خواهد به انسجام اجتماعی اصلی بازگردد، باید بتواند صورت‌بندی از امر قدسی به‌عنوان عامل اصلی انسجام‌بخش اجتماعی داشته باشد که بتواند تنوعات و تـکثرهای هویتی که در جامعه ایران وجود دارد در حول امر منسجم و متحد وحدت ببخشد. این وحدت‌بخشی به معنای حذف تـکثرات نیست، بلکه به معنای پیدا کردن نقاط مشترک این هویت‌های متـکثر است که در جای خودش کارکرد دارد، در جای خود باعث بالندگی کشور می‌شود و اگر بتواند این نیروهای متـکثر را در یک نظم وحدت‌بخشی متحد کند و به تعبیر و بر جنگ خدایان را از بین ببرد و ذیل یک خدای منسجم به آنها اتحاد ببخشد، مردم انسجام اجتماعی پیدا می‌کنند. این تحول در طول تاریخ، سابقه دارد، جایی که نیروی وحدت‌بخش بتواند عدالت را به معنای آنکه هر چیزی در جای خودش قرار بگیرد را برقرار کند، نیروی مردمی پشت نیروی حاکم قرار می‌گیرد و انسجام اجتماعی باز می‌گردد.»